



افزایش حملات شهرک نشینان

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد درباره افزایش اقدامات خشونت‌بار شهرک‌نشینان صهیونیست در کرانه باختری اظهارنگرانی کرد. گوترش در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو گفت: «من درباره افزایش خشونت در کرانه باختری اشغالی از سوی شهرک‌نشینان اسرائیلی و موارد دیگر نقض قوانین و همچنین فراخوان‌ها برای الحاق این منطقه به اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی) احساس نگرانی می‌کنم.» اظهار نگرانی دبیرکل سازمان ملل متحد پس از آن صورت می‌گیرد که روز گذشته ارتش رژیم صهیونیستی در یک درگیری نظامی که اولین در نوع خود از سال ۲۰۰۲ است، تانک‌های مرکابای خود را وارد اردوگاه اوارگان فلسطینی در جنین در شمال کرانه باختری کرد. براساس گزارش رسانه‌ها، سه تانک ارتش رژیم صهیونیستی با همراهی خودروهای نظامی این رژیم به اردوگاه جنین یورش بردند. فعالان و رسانه‌های محلی ویدئوهایی را منتشر کردند که نشان می‌دهد کودکان فلسطینی به سمت این تانک‌ها سنگ‌پرتاب می‌کنند.



شرط روسیه برای توقف جنگ

وزیر خارجه روسیه گفت که کشورش برای مذاکره با اوکراین، اروپا و هر طرف مایل دیگری آماده است، اما جنگ تنها زمانی متوقف می‌شود که توافقی قابل قبول برای مسکو حاصل شود. وزیر خارجه روسیه سرگئی لاوروف که به ترکیه سفر کرده، در کنفرانس مطبوعاتی مشترک امروز با همتای ترکیه‌ای در آنکارا گفت که مسکو برای گفت‌وگو با اوکراین و اتحادیه اروپا درباره شرایط پایان جنگ در اوکراین آماده است. این اظهارات بعد از آن مطرح شده که آمریکا، اوکراین و متحدان اروپایی‌اش را از مذاکرات صلح با روسیه کنار گذاشت. لاوروف تصریح کرد که «با هر نماینده‌ای که حسن نیت داشته باشد و بخواهد به دست‌یابی به صلح کمک کند، آماده گفت‌وگو هستیم، اما تنها زمانی خصوصت‌ها را متوقف می‌کنیم که این مذاکرات به نتیجه محکم و پایدار که رضایت روسیه را جلب کند، ختم شود.» او همچنین بار دیگر یادآور شد که توافق با اوکراین در آوریل ۲۰۲۲ حاصل شده بود، اما نخست‌وزیر پیشین انگلیس بوریس جانسون مانع آن شد. دیپلمات ارشد روسیه درباره دلیل این اقدام توضیح داد که «غرب مانع اجرای توافقی شد تا روسیه را تضعیف کند».



مخالفت نهادهای دولتی با ماسک

چندین نهاد دولتی آمریکا از جمله آنهایی که دارای رهبری طرفداری دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا هستند، به اقدام این ماسک‌برای وادار کردن کارمندان به توضیح دستاورد خود در محل کار یا خطر اخراج اعتراض کرده‌اند. ماسک در خصوص این درخواست در رسانه اجتماعی خود موسوم به ایکس نوشت: «عدم پاسخگویی به عنوان استعفا تلقی می‌شود.» وی این الزام را «همخوان با دستورالعمل‌های رئیس‌جمهور آمریکا» توصیف کرد. کاش پاتل رئیس‌افعی‌ای روز شنبه از کارمندان خود خواست که به این درخواست ماسک پاسخ ندهند و اظهار داشت که این نهاد به طور مستقل بررسی‌های داخلی در مورد وضعیت شغلی کارمندان را انجام خواهد داد. یک مقام وزارت خارجه آمریکا تصریح کرد که هیچ کارمندی موظف نیست فعالیت‌های خود را خارج از زنجیره فرماندهی وزارت خارجه گزارش دهد. وزارت دفاع آمریکا روز یکشنبه این اظهارات را تکرار کرد و دارین سلیک مقام ارشد پنتاگون به کارمندان خود گفت: «در صورت لزوم، پنتاگون پاسخ‌های لازم را هماهنگ خواهد کرد.»

باور داشتند کوچ اجباری «باید بخشی از گفت‌وگو» باشد در حالی که یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۹ از سوی نهاد دموکراسی اسرائیل درباره الحاق کرانه باختری انجام شد، حمایت ویژه از «تشویق» جابه‌جایی فلسطینی‌ها از اراضی تحت کنترل کامل اسرائیل را نشان داد. این ارقام نه تنها تداوم کوچ اجباری را به‌عنوان یک مفهوم کلی نشان دادند بلکه بیانگر استفاده از تفسیرهای محتاطانه‌ای بودند که از خطوط قرمز دولت فراتر نرود.

تنش بین موانع تشکیلاتی و احساسات مردمی در جناح راست، داینامیک عجیبی را در سیاست‌های اسرائیل ایجاد کرد. در حالی که انتقال فلسطینی‌ها رسماً تابو محسوب می‌شد اما آتش زیر خاکستری بود که مهار شده اما هیچ‌وقت از بین نرفته بود. با اینکه استفاده از عبارات محتاطانه در نظرسنجی‌ها و گفتمان عمومی، مثل «تشویق به مهاجرت» «بخشی از یک بحث»، نه تنها صحت سیاسی بلکه درک عمیق‌تری از برخی از ایده‌ها را می‌دهد که هر چقدر محبوب باشند، رسماً غیرقابل قبول‌اند. بنیانه اخیر ترامپ این موانع دیرینه را از بین برده و آنچه را که زمانی در تعابیر محتاطانه به کار برده می‌شد به بحث سیاسی صریح تبدیل کرده است.

طرح ترامپ برای غزه که به دلیل فقدان جزئیات خط‌مشی سیاسی، چارچوب حکومتی یا زمینه‌های منطقه‌ای ظاهراً غیرعملی به نظر می‌رسد، باعث شده برخی از ناظران آن را به‌عنوان موضع استراتژیک تفسیر کنند. براساس این دیدگاه، مداخله نمایشی رئیس‌جمهور به‌عنوان تاکتیک مذاکره عمل می‌کند، گامی تحریک‌آمیزی را وارد صحن دیپلماتیک می‌کند تا بازیگران منطقه‌ای مجبور به اقدام شوند. حامیان این تفسیر ممکن است حتی به انعطاف‌پذیری مذاکرات تبادل زندانی‌ها به‌عنوان مدرکی اشاره کنند که مداخله ترامپ، اسرائیل، فلسطینی‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای را مجبور می‌کند به جای اینکه بر میانجی‌گری آمریکایی‌ها حساب کنند، مسئولیت بیشتری از این شرایط را برعهده بگیرند.

این خوانش خوشایند اساساً ایده‌های سیاسی را از قلم می‌اندازد که زمانی مشروع بوده‌اند و حالا غیرقابل کنترل خواهند شد. در سال آخر دولت پیشین، ترامپ چارچوبی را برای توافق اسرائیل و فلسطین مشخص کرد که می‌توانست الحاق شهرک‌های اسرائیل در کرانه باختری را شامل شود. در حالی که توافق به‌خودی خود هیچ‌وقت اجرایی نشد، الحاق به‌سرعت به یکی از اصول سازماندهی راست اسرائیل تبدیل شد. این طرح امروز توجیه اولیه جناح‌های راست افراطی برای حفظ حمایت خود از دولت نتانیا‌هو است تا دائماً «فرصت تاریخی» را که معتقدند این دولت نمایندگی می‌کند، دنبال کنند.

عادی شدن ایده انتقال فلسطینیان به‌عنوان راه‌حلی برای غزه که به ذهنیتی مشروعیت می‌دهد که حقوق فلسطینی‌ها را در سرزمین خودشان انکار می‌کند، باعث شکل‌دهی رویکرد حکومت فعلی اسرائیل در برابر حضور فلسطینی‌ها در سراسر اسرائیل و اراضی اشغالی شده است. نظریه‌پردازی برای انتقال جمعیت اغلب با جعل تاریخ همراه است که موجودیت اعراب فلسطینی در این سرزمین‌ها را بیگانه‌نشان می‌دهد با این ادعا که فلسطینی‌ها در حقیقت مهاجرانی هستند که در اوایل قرن بیستم پس از آنکه شهرک‌نشینان صهیونیست آن را به جای جدایی برای زندگی تبدیل کردند، به اینجا آمدند.

عادی‌سازی ایده جابه‌جایی جمعیت پیامدهای عملی بسیاری دارد. جوامع فلسطینی که هم‌اکنون برای ترک غزه تحت‌فشار قرار دارند حالا با تهدید فزاینده اخراج روبه‌رو شده‌اند؛ از منطقه C در کرانه باختری، از شیخ جراح و سیلوان در قدس شرقی اشغالی و از جوامع بادیه‌نشین در صحرای نقب در جنوب اسرائیل. الگوی تخریب گسترده شهری و حذف جمعیت که در غزه اتفاق افتاد، می‌تواند در جاهای دیگر تکرار شود. هم‌اکنون شاهد درگیری نظامی اسرائیل برای تخریب خانه‌های فلسطینیان در شمال کرانه باختری هستیم. سلب تابعیت اسرائیلی از فلسطینیانی که در منطقه تحت حکومت اسرائیل به‌دنیای می‌آیند و اخراج شهروندان فلسطینی متهم به ارتکاب به جنایت همچنین می‌تواند به امر رایجی تبدیل شود.

تناقض بدیهی طرح ترامپ برای غزه در ترکیبی از اختلال و فانتزی ترسناک نهفته است. فاصله آن از حقیقت، کمبود حمایت سازمانی و عدم توجه به داینامیک‌های منطقه‌ای ممکن است قدرت‌های محلی را به‌سمت مشارکت بیشتر سوق دهد. با این حال آسیب عمیق‌تری که با مشروعیت‌بخشی به انتقال به‌عنوان راه‌حل به‌ویژه در گفتمان سیاسی اسرائیل همراه است، موانع چالش‌برانگیز جدیدی را ایجاد می‌کند. وضعیت نگران‌کننده جدید به‌طور فزاینده‌ای محتمل است، اینکه فلسطینی‌ها به‌طور نامحدود در اردوگاه‌های موقتی باقی بمانند و اسرائیل در عین حال عملیات نظامی کم‌شدت خود را ادامه دهد که با بهانه‌های دوگانه ادامه حضور حماس و رد طرح به‌اصطلاح صلح ترامپ توجیه می‌شود. چنین نتیجه‌ای می‌تواند بدترین جنبه‌های ترتیبات کنونی را با سلب مسئولیت اخلاقی ترکیب کند و با فلسطینیان حتی نه به‌عنوان چالش امنیتی بلکه به‌عنوان موانعی که باید به‌میل خود از سر راه برداشته شوند، برخورد می‌کند.



کوچ اجباری

و بود به گفتمان سیاسی تبدیل کرده‌اند

ساحلی در امتداد کریدور زمینی که به اورشلیم می‌رسد و در شمال شرق رخ داد، درگیری امروزی اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را شکل داده است. این رویداد بنیادی نه تنها واقعیت فیزیکی پناهجویان فلسطینی را ایجاد کرد بلکه داینامیک روانی پیچیده‌ای را در داخل جامعه اسرائیل رقم زد: انکار رسمی این موضوع که ارتش اسرائیل اخراج سیستماتیک را در کنار جریان پنهانی و مداوم حمایت خلاف قاعده از انتقال جمعیت را به‌عنوان راه‌حلی برای تغییرات جمعیتی انجام داده است.

برای چندین دهه، موانع حکومت‌داری اسرائیل مرز محتاطانه‌ای را بین این اظهارات ساختاری و گفتمان سیاسی مشروع حفظ کرده بود. مثال قابل توجه آن در دهه ۸۰ میلادی از خاخام منیر کاهان، سیاستمدار اسرائیلی متولد بروکلین مطرح شد. او که قبل از نقل مکان به اسرائیل به اتهام تروریسم داخلی در آمریکا متهم شده بود، حزب راست‌گرای کاچ را تأسیس کرد که آشکارا از انتقال جمعیت فلسطینیان از اراضی تحت کنترل اسرائیل حمایت می‌کرد.

حمایت او از پاکسازی قومی محکومیت‌های گسترده‌ای را از سراسر طیف‌های سیاسی اسرائیل در پی داشت. اسحاق شامیر از حزب لیکود که رهبری دولت را برعهده داشت به‌همراه بلوک احزاب راست‌گرا، از اقداماتی حمایت کردند تا از مسدود کردن مشارکت کاهان در سیستم سیاسی جلوگیری شود. شامیر، کاهان را «شخصیتی خطرناک» نامید در عین حال اعضای کنست، پارلمان اسرائیل، هنگام سخنرانی او به‌طور دسته‌جمعی از مجلس خارج شدند. دیوان عالی بعدها رای داد که حمایت از پاکسازی قومی دلیلی برای ردصلاحیت از شرکت در رقابت‌های انتخاباتی است و عملاً ثابت کرد که کوچ اجباری فراتر از مرزهای گفتمان سیاسی قابل قبول است. ۴۰ سال بعد، بنیامین نتانیا‌هو، جانشین شامیر به‌عنوان رهبر حزب لیکود و نخست‌وزیر اسرائیل، پس از احیای خود از شگفتی اولیه از پیشنهاد ترامپ مبنی بر کوچ اجباری فلسطینیان، از این ایده‌ای که زمانی تابو بود، حمایت کرده است.

با این حال، پشت این اجماع تشکیلاتی، نظرسنجی‌ها همواره تداوم تفکر کوچ‌محور را در میان بخش‌های مختلفی از جامعه اسرائیل نشان داده‌اند. سال ۲۰۰۴، در طول نکت دوم و در میان موجی از حملات نظامی، ۶۴ درصد از اسرائیلی‌های یهودی با استفاده از لحنی محتاطانه مثل «تشویق مهاجرت اعراب» حمایت کردند. تا سال ۲۰۱۵، نیمی از رای‌دهندگان صهیونیست‌های مذهبی

کرد و گفت که اسرائیل با اجرای این طرح «چیزی از دست نمی‌دهد.» پاسخ لاپید کمی شمرده‌تر بود؛ او ایده‌های ترامپ را «برای اسرائیل خوب» خواند در عین حال نیاز به بررسی بیشتر جزئیات را پیشنهاد کرد. یائیر گولان، تنها رهبر حزب لیبرال-چپ «دموکرات‌های صهیونیست» (اتحادیه حزب کارگر و میرتس) بود که مخالفت قاطعانه خود را با این طرح اعلام کرد. گولان با اشاره به اینکه جابه‌جایی مردم غزه رخ نخواهد داد، می‌گوید: «ما زمانی

برای هدر دادن روی مزخرفات ترامپ نداریم.» تأثیر ترامپ در گفتمان رسانه‌ای اسرائیل نیز مشهود بود که از سوی محافل راست‌گرای نزدیک به دولت شروع شد. آمیت سگال، یکی از مجری‌های سیاسی بانفوذ کانال ۱۲ که در جنبش حامی شهرک‌نشین صهیونیست مذهبی بزرگ شده، نظر راست‌گرایان اثرگذار را با پستی در شبکه ایکس برای ۸۳۸ هزار دنبال‌کننده صفحه خود بازتاب داد. او درخواست رئیس‌جمهور آمریکا برای کوچ اجباری فلسطینیان به خارج از غزه را «یک رویا» توصیف کرد. گیدون دوکو در «ماگور ریشون»، روزنامه قدیمی راست‌گرا که نماینده جناح روشن‌فکر جنبش شهرک‌نشینان است، دیدگاه خود را فراتر از غزه مطرح کرد و نوشت که «تمام اقلیت‌های سرزمین اسرائیل باید بین انتالف با یهودیان و اخراج، یک گزینه را انتخاب کنند.» دیگر کنشگران راست‌گرا به‌سرعت این چارچوب نظری را عملی کردند؛ جلساتی را برای درخواست از سرگیری جنگ در غزه ترتیب دادند تا آنچه را که علناً «راه‌حل بلندمدت اخراج» خطاب می‌کنند، به اجرا درآورند.

آکیوا لام، کارشناس راست‌گرا در یادداشتی برای «یدیعوت آحرونوت»، یکی از قدیمی‌ترین و پرخواننده‌ترین روزنامه‌های میانه‌رو، می‌نویسد که «حداکثر قلمرو و حداقل تعداد اعراب همیشه یکی از اصول صهیونیسم بوده است.» او در ادامه می‌نویسد: «تاریخ به‌ما یاد داد که تغییرات جمعیتی هدایت‌شده ابزار مهمی برای کاهش درگیری‌های طولانی‌مدت بوده است.» شاید گویاتر از آن شیوه‌ای بود که «لام» از ایده‌های ترامپ استفاده کرد تا نه تنها عملیات خشونت‌آمیز در آینده، بلکه در گذشته را مشروع کند.

در درگیری اسرائیل و فلسطین صحبت از پاکسازی قومی حتی یک نظریه انتزاعی هم نیست. برای درک کامل تأثیر این ایده، باید به سال ۱۹۴۸ رجوع کنیم؛ زمانی که تأسیس اسرائیل به‌واسطه بیرون راندن فلسطینی‌ها از خانه‌هایشان در آنچه فلسطینیان روز نکت یا «فاجعه» می‌خوانند، به‌دست آمد. در حالی که تعداد کمی از جوامع یهودی در جنگ نابود شدند، حجم کوچ اجباری فلسطینیان که از جنوب غرب در نزدیکی غزه تا شهرهای